Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 15, No. 4, Winter 2025, 27-50
DOI: 10.21859/priw-150402

Requirements for ensuring security in the twelve-day war with the Zionist regime and America

Maryam Jaddadi[1], Zahra Qasemkejad[2]

Date of Received: 2025/08/27 **Date of Acceptance**: 2026/01/07

Abstract

Seeking to find the dimensions of the relationship between the government and the people in wartime conditions, the authors, using a descriptive-analytical approach, came to the following conclusion: The people are considered the initiator and the end of the relationship with the government. What makes the relationship between the government and the people continue is attention to mutual rights and duties, the most important of which are observing the interests and creating security as the right of the people and the necessity of loyalty to the oath and obedience to the ruler as the right of the ruler. The confrontation of the 12-day war showed that in current Iranian society, although there are differences with the structure of the political system, the general public is still willing to obey the ruler of society (not the government of the time) Because the survival of security is achieved through the wisdom and expertise of leaders who prioritize the public interest over personal interests. However, there are gaps in the functioning of the governing body with a Sharia structure, and by changing the approach of the Islamic Consultative Assembly, it becomes possible to increase the connection between society and the government.

Keywords: War, security requirements, leadership.

1. PhD student, Department of Quran and Jurisprudence, Shiraz University, Iran
jaddadimaryam@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Quran and Jurisprudence, Shiraz University, Iran (responsible Author) , z-ghasemi62@yahoo.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۲۸
سال پانزدهم، شماره سوم، زمستان ۱۴۰۴

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۴، صص ۵۰ – ۲۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۵۰۲۰۲

الزامات تأمین امنیت در جنگ دوازده روزه با رژیم صهیونیستی و امریکا

مریم جدادی[۱]
زهرا قاسم نژاد[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

به دنبال بررسی الزامات تأمین امنیت در شرایط بحرانی نویسندگان با رویکرد توصیفی تحلیلی به این نتیجه رسیدند تأمین امنیت به عنوان رکن بقا در تشکیلات حکومتی به شمار میرود اما امنیت همواره ناشی از اقتدار نیروی نظامی نیست بلکه در بیشتر مواقع امنیت بازتاب همکاری و عمکرد گروهی مردم پیرو هدایتگرایی وتحت رهبری خردمندانه است. تقابل جنگ ۱۲ روزه نشان داد در جامعه فعلی ایران اگرچه اختلافاتی با ساختار نظام سیاسی وجود دارد اما عامه مردم همچنان حاضر به تبعیت از حاکم جامعه(نه حکومت وقت) میباشند زیرا بقای امنیت، در پرتو درایت و کاردانی رهبرانی محقق می‌شود که مصلحت عام را بر منافع ترجیح می‌دهند، با این وجود شکاف‌هایی در عملکرد بدنه حاکمیت با ساختار شرعی مشاهده می‌گردد که با تغییر رویکرد مجلس شورای اسلامی امکان افزایش پیوند جامعه با حکومت بیشتر می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: جنگ، الزامات امنیت، رهبری

۱. دانشجوی دکتری گروه قرآن و فقه دانشگاه شیراز، ایران jaddadimaryam@gmail.com
۲. دانشیار گروه قرآن و فقه دانشگاه شیراز، ایران(نویسنده مسئول)، yahoo.com@z-ghasemi۶۲

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران همانند هر کشوری به منظور تأمین نیازهای جمعی و به دنبال کاهش منابع طبیعی مانند نفت و گاز درصدد است با بهره‌مندی از قابلیت فناوری هسته‌ای سوخت مورد نیاز برای کارکرد صنایع الکترونیکی، دارویی و درمانی، صنایع سنگین کشتی سازی و ... را به‌دست آورد در همین راستا محققین و اندیشمندان تلاش نمودند تا با ساخت سایت و رآکتورهای هسته‌ای فرایند تبدیل سنگ اورانیوم به اورانیوم غنی‌سازی شده را فراهم نمایند. روند روبه رشدی که در نهایت منجر به کاهش وابستگی به ذخایر ژئوپولوژیک و ایجاد امنیت اقتصادی و اجتماعی می‌گردید در پرتو گزارش مغرضانه ریاست سازمان انرژی اتمی متوقف شد.

به‌واسطه‌ی گزارش مغرضانه ارائه شده توسط ریاست سازمان مزبو، شورای حکام بین‌الملل، قطعنامه‌ای را علیه عملکرد هسته‌ای ایران صادر می‌کند که این امر به فراهم شدن زمینه‌ای برای حمله‌ی رژیم حاکم بر فلسطین اشغالی به تأسیسات هسته‌ای ایران، منجر می‌شود.

به‌دنبال بمباران سایت‌های هسته‌ای در کشور و به منظور براندازی و نابودی اساس جمهوری اسلامی ایران که سالها محل مناقشات با جمهوری نامشروع اسراییل بوده است؛ قسمت‌های متعدد از نوار غربی کشور بالاخص مراکز نظامی مورد هجمه قرار می‌گیرد تا از هر نوع مقابله نظامی مشابه خودداری به‌عمل آورند.

در سایه‌ی جنگ آغاز شده توسط این رژیم سفاک(از این پس صرفا اسرائیل قید می‌شود) رهبر جامعه ایران مقابله نظامی را لازم و ضروری می‌داند که با هدایت ایشان نیروهای مسلح پاسخ قاطعی را آغاز می‌نمایند. در اثنای جنگ تحمیلی آغاز شده و با ورود به روز دوازدهم از نبرد موصوف، دولت آمریکا به عنوان محافظ منافع و هم‌پیمان اسراییل عملیات نظامی با عنوان چکش نیمه شب را هدایت نموده و با بمب‌های سنگرشکن تلاش می‌کند سه سایت هسته‌ای ایران را به‌طورکل نابود سازد.

ورود ایالات متحده آمریکا در این جنگ پاسخ قاطعی را به همراه داشت که منجر به پیشنهاد توقف درگیری از طرف دولت آمریکا گردید، درنهایت ایران توقف آتش را به صورت مشروط می‌پذیرد و پس از آن فرایند حقوقی به منظور مقابله با عملکرد عوامل، مجریان، قانون‌شکنان و ... آغاز می‌گردد.

الزامات تأمین امنیت در حکومت جمهوری اسلامی ایران چه شاخصه‌هایی دارد؟

روابط دو سویه مردم با نظام حاکم چگونه باعث تداوم امنیت در شرایط بحران(جنگ) خواهد بود؟

از نقطه‌نظر پژوهشی شاید بتوان تلاش افرادی مانند جناب آقای دکتر کاویانی را ستود، زیرا ایشان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال پانزدهم، شماره سوم، زمستان ۱۴۰۴

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

باور دارد معیار امنیت تنها بر پایه‌ی توسعه قانون واختیارات ناشی از قانون اساسی قابل گسترش، دوام و بقاست(کاویانی، ۱۳۹۶: ۶۹-۹۸).ولی این نگاه زمینه‌ای تک‌بعدی به نظر می‌رسد، زیرا قانون اگرچه زمینه گشترش را ایجاد می‌نماید ولی زمینه‌ساز بقا و دوام امنیت در جامعه نیست بدان جهت که رشد روابط گسترده بین‌المللی و استفاده از ابزارهای نوین، و وابسته‌شدن قدرت‌های نظامی به امکانات و تجهیزات نوین به جای اتکا به نیروهای انسانی متخصص سبب تغییر موازنه‌های امنیتی مخصوصا در جنگ‌ها می‌شود. در این شرایط قطعا برتری با امکانات معیار دوام امنیت تلقی می‌شود. چنان‌چه بهزاد جعفری هم در تحقیقاتی که در سال ۱۴۰۴ انجام می‌دهد، به همین نتیجه دست پیدا می‌کند(جعفری، ۱۴۰۴: ۲۶-۵۳). ولی نگاه به ساختار و تشکیلات در گستره‌ی تاریخی نشان می‌دهد تجهیزات نظامی اگرچه کارا و مفید است ولی باز هم تضمین‌کننده‌ی بقا و دوام امنیت در حکومت‌ها نیست. چنان‌که نتایج پژوهش جناب خسروبیگی به همین مسأله اشاره می‌نماید(خسروبیگی، ۱۳۸۱: ۸۳-۱۱۱). نویسندگان کاستی‌های پژوهشهای انجام شده را در عدم محاسبه عملکرد دوسویه مردم با نظام حاکمیتی و بی‌توجهی به نقش فرماندهی و رهبری در سازماندهی نیروهای نظامی بالاخص در شرایط بحرانی(جنگ) می‌دانند از همین رو به منظور جبران نقصان تحقیقات گذشته با توصیف شرایط وضعی بر پایه‌ی روش توصیفی تحلیلی به دنبال پاسخ‌دهی به ابهام‌های مطرح شده پژوهش ذیل را به انجام رسانده‌اند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

ایجاد امنیت

مهمترین ساختار و رکن در تشکیل و بقای حکومت قطعا قوای نظامی به شمار می‌آید[1]... که برپایه‌ی آن افراد حساس امنیت خواهد نمود. رشد ایدئولوژی و نگاه‌ها و آرمان‌ها تنها زمانی ممکن و مقدور خواهد بود که همواره نهاد یا نهادهایی عهده‌دار تأمین امنیت باشند وگرنه بدون در نظر گرفتن احساس امنیت پیرو اصل بقا وضرورت نیاز به ادامه حیات در عرصه اجتماعی چاره‌ای وجود ندارد جزآنکه به تبعیت از نگرش عرف حاکم از اساس آرمان‌ها و رفتارهای مبتنی بر آن فاصله گرفته و به همسان‌سازی برابر با آنچه که مطلوب جامعه اکثریت است اقدام شود.

الزامات ایجاد امنیت

وجود قانون، تشکیلات نظامی، آموزش‌های نظامی، سلسله مراتب فرماندهی، تأمین مالی مخارج نظامی

۱. حکومت دارای ۵ رکن کلی است.۱ مشروعیت.۲. وجود مبنای تقنینی ۳. تأمین امنیت.۴. تأمین نیازهای مالی۵. وجود ساختار و تشکیلات مدون که در این پژوهش به هریک از این موارد تا میزانی که پاسخگوی ابهامات اصلی پژوهش باشد پرداخته خواهد شد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

شاید این پنج مورد مهمترین الزاماتی باشد که برپایه‌ی آن امنیت در جوامع ایجاد می‌شود لذا در ادامه در خصوص هریک به اختصار توضیحاتی ارائه خواهد شد.

وجود قانون به منظور ایجاد امنیت

امنیت زمانی شکل می‌گیرد که برای نظام‌مند کردن رفتار مردم قانون مشخص و معینی وجود داشته باشد، زیرا اگر بنا باشد که هر فردی با هر سلیقه و رفتاری بخواهد مانع از عملکرد سایرین بشود یا تضاد منافع بین خود و دیگران احساس نماید ولی برای ادعای خود دلیل مشخص و معینی نداشته باشدف نمی‌توان به بقای امنیت در جامعه امیدوار بود در نتیجه مسیر تعالی یک جامعه دچار اختلال گردیده و خودکامگی و اقتدارطلبی و منفعت‌طلبیِ عده‌ای، برتوده‌ی عام مردم مستولی می‌شود. در چنین شرایطی حرف نهایی را قانون خواهد زد. درواقع قانون موجب ایجاد ثبات در جامعه می‌شود. از آن منظر که هر فردی می‌داند و آگاه می‌شود در چه زمانی ممکن است تحت تعقیب یا تحت حمایت قانون قرار بگیرد، حمایت‌گری از طرف قانون یعنی تضمین امنیت و بقا. به همین منظوردر هر جامعه‌ای ضوابط حاکم بر امنیت توسط قانون تأمین می‌شود(کاویانی، ۱۳۹۶: ۶۹-۹۸).

قرآن به عنوان رکن اساسی در جامعه اسلامی تلقی شده و ظاهر آن مصدر تعیین قوانین الهی در جامعه اسلامی به شمار می رود. از این رو آیاتی در آن قاعدتا یافت می‌شود که آن آیات دامنه التزام‌گرایی عمومی افراد را معین می‌نماید که برپایه دستورات مندرج در آن اشخاص می‌توانند آگاه شوند کدام رفتارها مورد حمایت و کدام رفتارها مورد مذمت شارع قرار گرفته است و از این طریق جذب حمایت‌ها را از دستگاه حاکم خواستار می‌شود.

در کل قران ۵۱۴ آیه، به عنوان آیات الاحکام شناخته می شود(الویوت، ۲۰۱۴، ۱۰۳۹-۱۰۵۳). در این آیات که به واجبات و محرمات اشاره دارد صراحتا خداوند تبارک و تعالی معین می‌نماید چه رفتارهایی باید در جامعه ترک شده یا مورد عمل قرار بگیرد؟ بر این اساس باید اظهار داشت امنیت در نظام اسلامی به معنای عملکرد قوای نظامی در حفاظت از بنیادهایی است که در این بین بازتعریف شده است(عطایی، ۱۳۸۲: ۱۸-۲۱).

اگرچه تابعین حاکمیت اسلامی ممکن است افراد غیر مسلمان باشند ولی نکته مهم آنجاست که ضوابط مورد اشاره در قران بالاخص در ۵۱۴ آیه یاد شده، مرتبط با نحوه‌ی زندگی در جامعه اسلامی می‌باشد از همین رو صِرف تفاوت در دین و آیین، اثری در قابلیت اجرایی نخواهد داشت.

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

البته صرف نظر از قرآن و قانون به عنوان متن متقن برای شناخت الزامات امنیت و همچنین مشروعیت‌بخشی به اقدامات نیروهای امنیتی در جامعه بخشی از دستورات و نگرش‌های فردی فرماندهان در صحنه نبرد نیز به عنوان قانون واقعیت استناد دارد که الزام‌بندی به آن وابسته به شرایط خاص می‌باشد و عمومیت ندارد و جنبه‌ی مدیریت یک بحران زودگذر را دارد(عبدالله زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۱-۹۲).

برخلاف حکومت‌گرایی که دلالت بر استمرار و استقرار کامل قوای حاکم دارد. از همین رو دستورات فرماندهان هرچند به مثابه‌ی قانون در زمینه‌ی امنیت به شمار می‌رود ولی به معنای التزام‌گرایی مطلق نخواهد بود. بدین معنا که اگر آن دستورات به هر دلیلی عدول شود، مشروعیت عمومی نهاد حاکم از بین نمی‌رود هرچند ممکن است موقعیت امنیت در آن برهه دچار ایراد شده و خسارات عمده اعم از تلفات مالی یا جانی پدیدار شود.

تشکیلات نظامی

برای آنکه نیروهای نظامی بتوانند امنیت در سطح حکومت ایجاد نمایند، لازم است تشکیلات مشخص و معینی شکل بگیرد تا مطابق با آن تشکیلات جایگاه هر فرد و نحوه مدیریت، خدمات و عملکرد آنها قابل ارزیابی و تبیین باشد چنان‌چه قوای نظامی فاقد ساختار مشخص و معین باشد به دلیل عدم هماهنگی که بین رده‌های مختلف راه می‌دهد قطعا نمی‌تواند رسالت حقیقی خود در خصوص تأمین امنیت بپردازد(خسروبیگی، ۱۳۸۱: ۸۳-۱۱).

این امر در ساختار حکومت ممکن است زمینه‌ی شورش یا حمله‌ی خارجی را ایجاد نماید و درکمترین حالت آن باعث می‌شود مردم نتوانند آزادانه به فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی ومذهبی خود بپردازند. احساس امنیت در جامعه تنها زمانی ایجاد می‌شود که تشکیلات نظامی متقنی وجود داشته باشد تا افراد بتوانند برای تأمین نیازهای امنیتی خود به آنها مراجعه نمایند. بر این مبنا قوای انتظامی در صف حکومت به نیروهای انتظامی(امنیت شهری)، نیروهای نظامی(ارتش)، نیروهای عملیاتی(ستون پنجم یا همان نیروهای جاسوسی و اطلاعاتی)، نیروهای امنیتی نظارتی(واحد بازرسی نیروهای سازمانی)، تقسیم و دسته‌بندی می‌شود. کارکنان شاغل در پادگان‌ها و اماکن نظامی و مرتبط با آن مانند زندان‌ها یا نهادهای تأمین تجهیزات نظامی و یا مقر تأمین سلاح و تأمین آذوقه، هرچند درزمره‌ی تشکیلات نظامی به شمار می‌روند ولی به طوربالقوه جزیی از قوای نظامی محسوب نمی‌شوند. در یک تشکیلات نظامی جایگاه افراد نوع روابط آنها با یکدیگر و حقوق فرد نسبت به فرد دیگر و همچنین نحوه‌ی رسیدگی به مسائل

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

امنیتی، نحوه تأمین مالی و دریافت خدمات، نحوه مجازات خاطیان و متجاوزان نظامی و... به صورت کامل مشخص و معین می‌شود و در جایی که دستورالعمل معینی وجود نداشته باشد با توجه به اصل اختیارات که برای فرماندهان نظامی تأمین می‌شود بر پایه آزادی عمل ناشی از جایگاه فرماندهی برای آن مسأله راهکاری تعریف می‌شود که نیروهای تحت امربر پایه آن اقدامات خود را انسجام می‌بخشند.

آموزشهای نظامی

یکی از مهمترین الزامات که نیروهای نظامی همواره با آن مواجه هستند مسأله آموزش نیروهای تحت امرند. یک نیروی نظامی هم از نظر دانش نظامی و هم از نظر تقویت آمادگی جسمی و ذهنی لازم است دوره های آموزشی را سپری نماید تا به سادگی تحت القائات سایرین تحریک نشده و از حدود متعارف قواعد امنیتی تجاوزننماید(محمدی، ۱۳۹۲: ۲۹-۴۸).

یک نیروی نظامی لازم است آموزش ببیند تا در زمان مقابله با خطر بتواند بهترین عملکرد را از خود به نمایش بگذارد و از جان و مال و ناموس خود و سایرین حراست نماید. بدون توجه به قوانین آموزشی در نهایت نیروی نظامی ممکن است به سرعت دچار فروپاشی شده یا توسط قوای متخاصم نابود و زمین‌گیر گردد. برهمین مبنا داشتن تشکیلات مشخص و معین برای آموزش نیروهای نظامی امری لازم و ضروری تلقی می شود. این ضرورت تا آنجاست که حتی به صورت مدون و معین چنین تشکیلاتی وجود نداشته باشد خود افراد به واسطه حساسیت وظایفی که بر عهده دارند و از باب انگیزه بقا، چاره ای نخواهند داشت که به هرنحو اموزش‌های مورد نیاز را از افراد باتجربه کسب نمایند(شفیعی و ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۱-۵۰). استراتژیست‌ها، فرماندهان نظامی، نیروهای نخبه نظامی، اساتید هنرهای رزمی و فنی‌کاران و... در مقام خود به عنوان استاد جزء تشکیلات آموزشی به شمار می‌رود. هرچند می‌توان گفت تشکیلات آموزش نظامی در مبنای حکومت اسلامی وابسته به ساختار نظامی نیست و از قبل ورود شخص به عنوان یک فرد عضو نیروهای نظامی توصیه می شود آن آموزشها فرا بگیرد ولی چنان‌چه به هر دلیل شرایط آموزش یک فرد مهیا نگردد پس از ورود شخص به نهادهای نظامی شکی نیست که آن فرد توسط قوای نظامی مورد آموزش قرار خواهد گرفت زیرا ضعف نیروهای نظامی در نهایت ثمره‌ای جز هلاکت برای سایر نیروها به دنبال نخواهد داشت.

سلسله مراتب فرماندهی

قوای نظامی به خودی خود صرفا مجموعه‌ای از اشخاص است که دارای قدرت‌های فیزیک بدنی و یا

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

قدرت‌های ذهنی استراتژیک خاص هستند. این افراد بر حسب اینکه چطور مورد هدایت قرار بگیرند می‌توانند نقش موثر و یا مخرب در تأمین امنیت ایجاد نمایند. فرمانده به‌عنوان مسؤول و هدایت‌گر قوای نظامی به شمار می‌رود. هر قدر درجه ایمان و اعتقاد ودانش نظامی و نیز جسارت و مهارت یک فرمانده بیشتر باشد به موازات آن عده سربازان بیشتری از افراد تبعیت می‌نمایند. زیرا اطمینان دارند در نبردها و وقایع خاص نحوه مدیریت آن فرمانده می‌تواند زمینه موفقیت و یا نجات آنها را فراهم نماید. حداقل در چندهزار سال گذشته جایگاه فرماندهان نظامی به عنوان مهمترین جایگاه اعتباری در هر حکومت به‌شمارمی‌رود تا حدی که اگرحمایت فرماندهان از قوای حاکم نباشد درنهایت آن حکومت محکوم به سکوت خواهد بود. میزان موفقیت در بحران‌های جنگی، نحوه‌ی مدیریت برخورد با زندانیان و اسیران جنگی، نحوه مدیریت و کنترل آذوقه‌ها، نحوه مدیریت تأمین و نگهداری تجهیزات نظامی، نحوه مدیریت انضباط فردی و اجتماعی در درون لشکر ونیروهای تابعه تماما وابسته به مهارت‌های فرماندهان است.برهمین مبنا اگرفرماندهی در اثناء نبرد و یا در زمان وقع حوادث امنیتی مجروح یا کشته و فوت شود، نیروهای تابعه دچار سردرگمی در عملکرد می‌شوند. این زمان درست هنگامی ست که خودِ واحد امنیتی دچار زوال امنیت می‌شود تا حدی که ممکن است تمام نیروهای قوای نظامی در سایه عدم هدایت و رهبری تلف شده و هلاک گردد. به‌همین جهت همواره سلسله مراتب فرماندهی پیش‌بینی می‌شود تا در صورتی که فرمانده به هر دلیل در دسترس نباشد نیروی جایگزین بتواند هدایت قوای نظامی را برعهده گرفته و فرایند نظم و امینت را تثبیت نماید. پس وجود سلسله مراتب فرماندهی جز الزامات ایجاد امنیت در جامعه به‌شمار می‌رود(طوطیان و همکارن، ۱۳۹۹: ۱۷۳-۲۰۰).

تأمین مالی مخارج نظامی

نهادهای نظامی زمانی می‌توانند امنیت‌بخش باشند که خود از هر جهت تأمین شده باشند. نیروی نظامی اگر به درستی مورد حمایت و تأمین مالی قرار نگیرد به راحتی ممکن است در اثر فسار ناشی از نداری وتنگدستی حاضر به چشم‌پوشی از تکالیف نظامی خود شده و برخلاف حق وقانون از ایفای تعهدات و وظایف شانه خالی نمایند و این البته فرع بر آان است که اگرنیروی نظامی تأمین مالی نشود امکان بروزرسانی تجهیزات و ادوات نظامی را نخواهد داشت در نتیجه در زمان نبرد در برابر دشمنی که دارای سلاح برتر باشد دچار تلفات و صدمات متعدد می‌شود. این امر را باید در کنار این حقیقت نگریست که عدم وجود منابع غذایی ممکن است بر سلامت روحی جسمی وروانی نظامیان اثر منفی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

بگذارد. تحلیل قوای جسمی و دماغی در نهایت باعث کاهش عملکرد و ایجاد دلزدگی و افسردگی و عدم تمایل به ایفای تعهدات می شود.در صورتی که فردنظامی به درستی تأمین مالی نشود بعید نیست که تصمیم به رهاسازی واحد خدمت خود گرفته و تمایل به همکاری با سایر نهادهای نظامی و امنیتی داخلی یا خارجی داشته باشد تا از این طریق منافع مالی مورد نیاز خود را تأمین نماید(جعفری، ۱۴۰۴: ۲۶-۵۳).

تأمین نیازهای مالی نظامی به عوامل متعددی وابسته است. اما مهمترین ممر درامد قوای نظامی مرتبط با بودجه و عملکرد اقتصادی قوای نیروهای مسلح می‌باشد. فرماندهان نظامی بر حسب میزان عملکرد هر یک از قوای نظامی در خصوص نحوه تخفیف بودجه و درامدهای مزبور تصمیم‌گیری می‌نماید. به‌نحوی که هم رضایت عامه ایجاد گردد و هم اثر میزان فعالیت در سهم‌گیری از دستاوردها معین شود. دستاوردهای یک نبرد یا یک عملیات کنترل اقدامات مجرمانه ممکن است بسیار متعدد باشد ولی مادامی که تأمین مالی بابت خدمات انجام شده به درستی انجام نشود باید انتظار داشت که در نهایت تمام آنچه به دست آمده از بین برود به بیان بهتر شرط بقا و استمرار امنیت در جامعه وابسته به میزان تأمین مالی نهادهای امنیتی است. چنان‌چه نهاد امنیت تأمین نشود دچار لغزش شده با دریافت رشوه ممکن است اقدامات خصمانه انجام داده یا به ضرر حکومت و ملت خود با دشمن تبانی و دسیسه نماید. به همین دلیل باید زمینه چنین وقایعی با تأمین مالی گسترده از نیروهای امنیتی و نظامی از بین برود.

شروع جنگ ۱۲ روزه

در بامداد مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۳ رژیم اسراییل پس از آنکه قطعنامه شورای حکام سازمان ملل متحد در مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۲ علیه فعالیت صلح آمیز هسته‌ای ایران تصویب شد، بهانه‌ای به دست آورد که با کسب مشروعیت بین المللی حاکی از عدم صلح‌آمیز بودن توسعه فناوری هسته‌ای در ایران، نسبت به مقابله نظامی با آن بپردازد به همین منظور جنگنده های اف -۳۵ این رژیم وارد خاک ایران شده و سه سایت مهم هسته‌ای در کشور را موشک‌باران می‌کند، اما این رژیم که دریافت پاسخ را قطعی تلقی می‌نمود با پشتوانه عملکرد اطلاعاتی، محل استقرار بسیاری از فرماندهان تراز اول نظامی و دانشمندان وابسته به صنعت هسته‌ای را آماج حملات خود قرار می‌دهد .

روند حملات از بامداد روز ۱۴۰۴/۰۳/۲۳یک‌طرفه آغاز و تا ۱۴۰۴/۰۳/۲۴ عملا بدون پاسخ باقی ماند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

رهبر جامعه ایران حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله) به عنوان کسی که فرمانده کل قوا محسوب شده و زمامدار حکومت اسلامی‌است در همان روز بیانیه‌ای را صادر می‌نماید و این اطمینان را به مردم و ملت عزیز می‌دهد که پاسخ قاطع و دردناک در قبال این حملات داده خواهد شد و تاکید می‌نماید :« ملت عزیز این را بدانند و مطمئن باشند و خاطر جمع باشند در این زمینه هیچ کوتاهی صورت نخواهد گرفت»، به دنبال این فراخوانی شورای عالی امنیت ملی که مطابق با اصل ۱۷۶ قانون اساسی (اصلاحات ۱۳۵۸/۰۱/۱۰) عهده‌دار تامین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی می‌باشد جلسه‌ای را تشکیل می‌دهد و نحوه مقابله با این تجاوزات مطابق با فرمایشات رهبری تعیین می‌شود(روزی طلب و خیر اله، ۱۴۰۰: ۱۲۸-۱۰۵).

در همان روز با توجه به آنکه فرماندهان کلیدی در سیستم نظامی ایران هدف ترور واقع شدند آیت الله خامنه‌ای طی احکام جداگانه‌ای فرماندهان جایگزین منصوب می‌نماید تا خللی برای هدایت اقدامات نیروهای نظامی ایجاد نگردد.

طبق پیش بینی‌ها پس از هماهنگی های انجام شده عملا از بامداد ۱۴۰۴/۰۳/۲۴ پاسخ نظامی جمهوری اسلامی ایران آغاز و جنگ بین ایران و اسراییل وارد تقابل دو جانبه می‌گردد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

حکومت ضامن امنیت

تردید نیست که یک جامعه به منظور آنکه بتواند به بقای خود ادامه دهد حداقل می بایست امنیت را در سطوح مختلف اجتماعی فراهم آورد. از نقطه‌نظر داخلی ایجاد امنیت مبتنی بر ضوابطی است که امروزه قانون پاسدار آن محسوب می‌گردد ولی بنای کلی آن بر پایه دستورات رهبر جامعه تدوین می‌گردد.

در جامعه متدین بیانات پیامبران دینی حجیت را برای پیروان آن دین تمام می‌سازد و قاطع رویکردها به شمار می‌رود لذا در بنیاد جامعه فعلی حاکم بر ایران تعالیم پیامبر اکرم(ص) و آنچه در قرآن مطرح شده عامل اصلی برای انتخاب مسیر به‌شمار می‌رود.آیات ۱۰-۱۳-۱۱۱-۱۲۱-۱۲۷-۱۳۳-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۲-۱۴۳-۱۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۵۲-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۶۰-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۸۶-۱۹۵ از سوره مبارکه ال عمران که متناظر با آن آیات متعدد مشابه در سایر سور قابل یافت می باشد بیانگر پاسخ به تجاوزات و پاسخ مثبت دادن به فراخوان‌های رهبر جامعه دینی است. بر این مبنا تردید نیست که پذیرش تقابل و صدور دستور به مقابله با تجاوزات رژیم اسراییل، بدوا وظیفه‌ای شرعی از باب لزوم حفظ امنیت به شمار می‌رود زیرا ذات حق دستور مقابله می‌دهد و جامعه معین را هدف فرامین

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

خود قرار می‌دهد، این به معنای آن است که حکومت مکلف است برای مقابله اقدام لازم را انجام داده تا امنیت در جامعه محقق گردد.

ولی مسأله آنجاست آیا مردم چنان‌چه با اساس حکومت مخالف باشند می‌بایست فرامین رهبر جامعه را امتثال نمایند یا خیر؟ به بیان بهتر اگر در درون جامعه اسلامی عده‌ای باور به عدم مشروعیت و عدم صلاحیت حکومت وقت داشته باشند حق آن را دارند که با متجاوزان همکاری و مساعدت نموده و در راستای ایجاد زمینه زوال حکومت اقدام نمایند؟!

امنیت وابسته به بقای حکومت

از زمان تشکیل جوامع و تبدیل ساختار خانوادگی به ساختار زندگی جمعی، بشر به این بلوغ فکری رسید که به منظور حفظ ارتباطات، بقا و آسایش، نیازمند امنیت خواهد بود، اما ایجاد امنیت زمانی معنادار خواهد بود که ساختاری منسجم تضمین‌کننده‌ی دوام و پایداری آن باشد به همین منظور حکومت ها شکل می‌گیرد تا روند امنیت‌گرایی تسهیل گردد اما تردید نیست که بقای امنیت نیازمند اعمال اقداماتی است که در سایه آن تدابیر افراد جرأت آسیب‌رسانی به امنیت را نداشته باشند به همین منظور استفاده از قانون در مقام آگاه‌سازی و ارعاب‌گرایی و استفاده جبر، قهر و در پاره‌ای از مواقع کشتار و مجازات‌گرایی در مقام مدیریت اجرایی لازم و ضروری می نماید بازخورد ناشی از چنین کنش‌گرایی در جامعه همواره یکسان نیست و موافقان و مخالفان خاص را ایجاد می‌نماید تا حدی که برخی از آنها حاکم را جائر و ستمکار تلقی نموده و اطاعت از آنرا ضروری نمی‌دانند و به مقابله عملی با آن می‌پردازند.

شاید از همین رو است که امام علی (ع)می فرماید: «إِنِّي لَا أَرَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ إِلَّا ظَاهِرِينَ عَلَيْكُمْ لِتُفَرِّقَكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ وَ اجْتِمَاعُهُمْ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَ إِنَّ الْإِمَامَ لَيْسَ يُشَاقُّ سَفَرُهُ وَ إِنَّهُ يُخْطِئُ وَ يُصِيبُ فَإِذَا كَانَ عَلَيْكُمْ إِمَامٌ يَعْدِلُ فِي الرَّعِيَّةِ وَ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا وَ إِنَّ النَّاسَ لَا يُصْلِحُهُمْ إِلَّا إِمَامٌ بَرٌّ أَوْ فَاجِرٌ فَإِنْ كَانَ بَرًّا فَلِلرَّاعِي وَ لِلرَّعِيَّةِ وَ إِنْ كَانَ فَاجِرًا عَبَدَ فِيهِ الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ وَ عَمِلَ فِيهِ الْفَاجِرُ إِلَى أَجَلِهِ وَ إِنَّكُمْ سَتُعْرَضُونَ عَلَى سَبِّي وَ عَلَى الْبَرَاءَةِ مِنِّي فَمَنْ سَبَّنِي فَهُوَ فِي حِلٍّ مِنْ سَبِّي وَ لَا تَبَرَّءُوا مِنْ دِينِي فَإِنِّي عَلَى الْإِسْلَامِ»(العبسی الکوفی،۱۴۳۶: ۴۳۶). بر مبنای این روایت شاید بتوان گفت اگرچه ممکن است تصور برخی افراد از نحوه حکومت در جمهوری اسلامی ایران آن باشد که حکومت نسبت به ایشان ظلم‌محور است ولی با توجه به آنکه بقای جامعه (بنای صحیح تر بقای اصل نظام اجتماعی) نیازمند وجود یک حکومت است در نتیجه لازم و ضروری است که مردم از دستورات رهبری اطاعت نموده و در

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

مقابله با دشمن آماده شوند زیرا عدم مقابله‌گرایی باعث سلب امنیت می‌شود .

در سیره عملی از امام علی (ع) در تاریخ ثبت شده است در واقعه‌ی اقدام به قتل عثمان، آن حضرت و فرزندانش از او دفاع کردند ، اگرچه علی (ع) یقینا با حاکم وقت مخالف بوده است ولی باور داشت که کشته شدن عثمان سبب فروپاشی در ساختار امنیت جامعه می‌شود درنتیجه از او حفاظت نمودند. درواقع آنچه آن حضرت می آموزاند درک این امر است که برای بقای اجتماع باید امنیت را همواره اولی‌تر از رنجی بدانیم که خود متحمل می‌شویم.

در حاشیه دوازده روز جنگ شاهد بودیم برخی از ساکنین شهرهایی که هدف راکت های جنگنده‌های دشمن و حملات پهبادی قرار می‌گرفت، به جهت عدم احساس امنیت منازل خود را ترک نموده و در سایر شهرها مستقر می شدند، ترک شغل، آسایش ، خانه و زندگی برای بقا تماما نشان از نیاز به حفظ امنیت در جامعه است، لذا مشاهده گردید پس از آنکه پاسخ های موشکی ایران شدت پیدا نمود موج سفرها حالت عکس پیدا کرده و مردم مجدد به دیار خود بازگشتند.

اعتماد به حکومت و نیروهای نظامی که امکان برقراری امنیت را دارند زمینه این حرکت معکوس در زمان جنگ دوازده روزه بود.

امام علی (ع) به عنوان یک توصیه به اجتماعات اسلامی می فرماید:«وَ أَمَّا النَّصِيحَةُ لِأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ، فَأَنْ تُطِيعَهُمْ فِيمَا أَمَرُوهُ وَ تَنْتَهِيَ عَمَّا نَهَوْهُ وَ تَأْمُرَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَا تَخْرُجَ عَلَيْهِمْ بِالسَّيْفِ»(نصیحت حاکم یا امام، اطاعت از وی و پرهیز از آنچه که وی نهی کرده و عدم شورش مسلحانه علیه اوست»(السمرقندی، ۱۴۲۱: ۴۸۴) و (آل‌سعدی، ۱۴۱۲: ۱۰۲) و (المقدسی‌الرملی الشافعی، ۱۴۳۷: ۳۳) بر مبنای این روایت می‌توان گفت حتی اگر افراد با جامعه حاکم مخالف باشند بالضروره نباید علیه حکومت اقدام مسلحانه انجام بدهند به بیان بهتر حفظ امنیت وابسته به آن است که حد رفتاری برای خود قائل شویم، درواقع اگرچه در برابر ظلم باید ایستادگی نمود و اعتراض حق عمومی است ولی تا زمانی این اقدامات مجاز است که منجر به سلب امنیت نشود، «لاتخرج علیهم بالسیف» گزاره‌ای است که هم بر مردم دلالت دارد و هم بر حکومت .

اگر مردم علیه حکومت اعم از آنکه ظالم باشد یا عادل بخواهند طغیان کنند یا حکومت بخواهد بدون علت و خارج از قوانین و حدود الهی بر مردم شمشیر کشیده و قوه ارعابی ایجاد نماید قطعا امنیت از عموم افراد آن جامعه سلب خواهد شد و در سایه فقدان امنیت، کسانی که سودجو بوده در چنین شرایطی به دنبال کسب منافع خود خواهند بود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

نحوه تأمین امنیت توسط حکومت در زمان جنگ دوازده روزه

اگرچه حتی به طریق استدلال عقلی و فطری می‌توان لزوم تأمین امنیت را ادراک نمود و از نقطه‌نظر دینی نیز این امر از ابزار بقای جوامع شناخته می‌شود اما در ایام جنگ، حکومت جمهوری اسلامی ایران چگونه زمینه‌ی ایجاد آن را فراهم نمود؟ سؤالی است که در ادامه پاسخ داده خواهد شد.

فراخوانی عمومی

اولین شرط برای آنکه بتوان از تمام ظرفیت های درونی کشور به منظور مقابله با دشمن خارجی بهره‌مند گردید، ایجاد آگاهی از طریق فراخوانی عمومی است .

اگر مردم به مسیری معین فراخوانده شوند، همبستگی جمعی ایجاد شده و امکان مقابله فراهم می‌شود لذا امیرالمؤمنین می‌فرماید :«لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ إِمَارَةٍ: بَرَّةً كَانَتْ أَوْ فَاجِرَةً. فَقِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذِهِ الْبَرَّةُ قَدْ عَرَفْنَاهَا. فَمَا بَالُ الْفَاجِرَةِ؟ فَقَالَ: يُقَامُ بِهَا الْحُدُودُ وَ تَأْمَنُ بِهَا السُّبُلُ، وَ يُجَاهَدُ بِهَا الْعَدُوُّ وَ يُقْسَمُ بِهَا الْفَيْءُ وَ هَذَا الْقِسْمُ يَجِبُ عَلَى الْوُلَاةِ الْبَحْثُ عَنْهُ وَ إِقَامَتُهُ مِنْ غَيْرِ دَعْوَى أَحَدٍ بِهِ»(الطبری، ۱۴۰۹: ۵۱) یعنی ضرورت ایجاد شناخت برای اقدام جهادی غیر قابل انکار تلقی می‌شود.

اما نکته‌ی مهم آن است وقتی حاکمی مردم خود را فرا بخواند، مردم نیز می‌بایست به ندای رهبر خود پاسخ مثبت دهند درواقع این حق حکومت بر مردم است که اگر آنها را برای جهاد و دفاع فرا می‌خواند آن را پاسخ دهند لذا نقل است از امام علی (ع) که فرمودند: «أَمَّا بَعْدُ، فإن لي عليكم حقا، و إن لكم علي حقا، فأما حقكم على فالنصيحة لكم مَا صحبتكم، و توفير فيئكم عَلَيْكُمْ و تعليمكم كيما لا تجهلوا و تأديبكم كي تعلموا و أما حقي عَلَيْكُمْ فالوفاء بالبيعة و النصح لي فِي الغيب و المشهد و الإجابة حين أدعوكم، و الطاعة حين آمركم، فإن يرد اللَّه بكم خيرا انتزعتم عما أكره و تراجعوا إِلَى مَا أحب، تنالوا مَا تطلبون و تدركوا مَا تأملون»(طبری، ۱۳۸۷: ۹۰و۹۱) و (الکاندهلوی، ۱۴۲۰: ۴۴) و(الشایب، ۲۰۰۳: ۱۴۲) و(ثقفی، ۱۳۷۴ : ۲۹).

البته لازم به ذکر است بیعت در عصر حاضر عموما بر پایه شرکت در انتخابات، راهپیمایی‌ها و فراخوان‌های عمومی در اعیاد و مراسم مذهبی و ملی معنا پیدا می‌نماید و در حالت پیش‌فرض به عنوان یک بیعت با حاکم جامعه فعلی، عدم ترک تابعیت را می‌توان مصداق درنظر گرفت بر این مبنا یک فرد که هویت ایرانی دارد مادام که متصف به این صفت باشد بدوا نوعی بیعت با حاکم جامعه اسلامی دارد که در زمان فراخوانی لازم است به رهبر خود پاسخ مثبت دهد. در واقع اگر کسی توقع دارد حکومت امنیت

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

او را تأمین نماید چاره‌ای نخواهد داشت مگر آنکه زمینه و ابزار آن را فراهم کند که پاسخ دادن به فراخوان عمومی مصداق بارز آن خواهد بود.

عبارت «وفاء بالبیعه»[1] در روایت،(شریف الرضی، بی‌تا: ۸۸و۸۹) و (احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ۶۲۴) که در احادیث متعددی از آن حضرت نقل می‌شود با توجه به جایگاه افراد حالت بخصوص خواهد داشت، در خصوص نظامیان با ابراز آمادگی برای نبرد، در خصوص دولت‌مردان با تأمین سلاح و مهمات و مقدمات اجرایی و شروع دیپلماسی در عرصه بین-المللی به منظور مشروعیت‌بخشی برای حق دفاع در مقابل خصم، در خصوص افراد عادی با شناسایی منافقین و نفوذی‌های وابسته به جبهه متخاصم و همراهی با حاکمیت با عدم اعتراضات می‌تواند مصداق داشته باشد اما آنچه اهمیت دارد آن است که شاهد بودیم در این دوازده روز صرف نظر از انواع نگاه‌های سیاسی و اعتراضی حاکم بر جامعه ایران اسلامی، عموم مردم به فراخوان رهبری پاسخ مثبت داده و به منظور دفاع از میهن، خود را آماده و بسیج نمودند که نشان از ایجاد رابطه قوی بین مردم و حاکمیت دارد.

اینکه «اجابت حین ادعوکم و اطاعه حین امرکم»(طبری، پیشین) به صورت جداگانه مورد تاکید در حدیث قرار می‌گیرد دلالت بر آن است که نماد بارز بیعت، نشان دادن آثار آن بیعت است، صرف ادعای حمایت‌گرایی از حاکم معنا ندارد مگر آنکه در مرحله عمل نمایان گردد ، البته می‌بایست تفکیک قائل شد از این حیث که اجابت و امتثال رهبر به منزله مشروعیت‌بخشی به حکومت با رفع خصومت مردم با حکومت نیست اما نشان از آن دارد که مردم برای نیل به مقصود خود می‌پذیرند هدایت‌گرایی را به فردی بسپارند که با هر صفتی حاضر است در آن مقام از ایشان حمایت کند از همین رو صدا و سیما و نهادهای مستقل رسانه‌ای در فضای مجازی تاکید خود را بر لزوم انسجام ملی برای عبور از بحران ایجاد شده قرار دادند و مسأله اختلافات داخلی را موقتا کنار گذاشته و مردم را به یکپارچگی برای رسیدن به نتیجه مطلوب تشویق می‌نمودند.

البته شک نیست که فراخوانی به سمت پذیرش جنگ باید بر پایه مصلحت مردم باشد لذا نبی مکرم اسلام (ص) می-فرمایند :«فَرَضَ‌اللَّهُ ... الْامْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوامِّ وَالنَّهْیَ عَنِ‌الْمُنْکَرِ رَدْعاً لِلسُّفَهاءِ»(النویری، ۱۴۲۳: ۱۸۳)و (البغدادی، ۱۴۱۷: ۲۴۶) این سخن بدان معنی است که اگر مصلحت مردم ایجاب ننماید قطعا دعوت به جنگ می‌تواند حرام تلقی شود مخصوصا آنکه آثار جنگ آنقدر فاجعه‌بار می‌تواند باشد که فراتر از جامعه‌ی زمان جنگ، نسل‌های بعدی را نیز تحت‌الشعاع قرار

۱. « أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَیْکُمْ حَقّاً وَ لَکُمْ عَلَيَّ حَقٌّ؛ فَأَمَّا حَقُّکُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِیحَةُ لَکُمْ وَ تَوْفِیرُ فَیْئِکُمْ عَلَیْکُمْ وَ تَعْلِیمُکُمْ کَیْلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِیبُکُمْ کَیْمَا تَعْلَمُوا. وَ أَمَّا حَقِّي عَلَیْکُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَیْعَةِ وَ النَّصِیحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِیبِ وَ الْإِجَابَةُ حِینَ أَدْعُوکُمْ وَ الطَّاعَةُ حِینَ آمُرُکُمْ»

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

دهد از همین رو حاکم اسلامی مسیر زمان جنگ را زمانی انتخاب می‌نماید که خرد جمعی آنرا تایید نموده باشد اما اینکه خرد جمعی چطور مورد بهره‌برداری رهبری قرار می‌گیرد؟ سؤالی است که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

عملکرد شورای عالی امنیت ملی در جنگ ۱۲ روزه

جنگ با هر انگیزه و هدفی قطعا آثار کوتاه مدت و بلند مدتی به همراه دارد که هیچ فردی در جامعه جنگ‌زده از آن مصون نخواهد بود به همین جهت مطابق با اصل ۱۷۶ قانون اساسی شورای عالی امنیت ملی مکلف است سیاست‌های دفاعی -امنیتی کشور را در محدوده سیاستهای کلی ابلاغ شده از طرف رهبری را اعمال نماید .

شاید بتوان گفت تشکیل شورا به منظور تشخیص لزوم پاسخ مسلحانه و نظامی سابقه‌ای به قدمت تاریخ جوامع بشری دارد ولی ادیان نیز به لزوم مشورت‌گرایی در اقدامات مهم و اساسی نظر ویژه دارد، لذا ذات اقدس الهی می‌فرماید:«وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»(شوری: ۳۸). این کلام اگرچه افاده وجوب نمی-نماید ولی توصیه ای است که عقلای عالم از آن استقبال می‌نمایند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ : ۸۸).

با شروع تهاجم رژیم اسراییل علیه اهداف و مواضع مهم نظامی، علمی و اقتصادی در کشور بنا بر توصیه امام (ع) که می-فرماید:«واجعل لذوی الحاجات منك قسما تفرّغ لهم [فيه شخصك] و تجلس لهم فيه مجلسا عامّا فتتواضع فيه لله الذی خلقك و تبعد عنهم جندك و أعوانك من أحراسك و شرطك حتی يكلّمك متكلّمهم غير متعتع» (النویری، ۱۴۲۳: ۳۲۸)، (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ : ۱۴۲) و (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۰۸) رهبری از گروه های مختلف اثرگذار در عرصه نظامی و سیاسی رای و نظرخواهی می نماید چه آنکه :«من قنع برأيه هلك»(ثعالبی، ۱۴۲۱: ۲۱۵) این مشورت‌گرایی زمانی اهمیت بیشتری دارد که در جامعه مخالفین با حکومت وجود داشته باشد در واقع تصمیم که اتخاذ می شود نباید به نحوی باشد که مصداق بارز «و قال عليّ كرّم الله وجهه: من أعجب برأيه ضلّ، و من استغنی بعقله زلّ»(البغدادی، ۱۴۱۷ : ۲۹۹) و (الذهبی، ۱۴۱۳: ۴۴۲) قرار بگیرد چه آنکه ممکن است عده‌ای تصمیم‌گیری بدون مشورت جمعی را نوعی استبداد نظری بدانند که این امر مورد نهی جدی در روایات قرار گرفته است لذا نقل است از علی (ع) که می فرماید:«مَنِ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ [فَقَدْ] خَاطَرَ وَ غَرَّر» (تمیمی الامدی، ۱۴۱۰ : ۶۶۶) با این حال آنچه در برآیند دینی می‌توان کشف نمود آن است که اقدام بر پایه نظر و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

خرد جمعی امر نیکو توأمان قاطعیت شناخته می‌شود آیه ۳۲ سوره مبارکه نمل: «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ» (۲۷: ۳۲) یکی از بدیهی‌ترین مصادیقی است که می‌توان در این زمینه بدان اشاره نمود(بروجردی، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

اما نکته‌ی مهم در خصوص مشورت‌گرایی آن است که خروجی تصمیمات حاصل از مشورت در امور عمومی می‌بایست مطابق با مصلحت عام باشد لذا امام علی (ع) می‌فرماید: «قال علي بن أبي طالب: أمران جليلان لا يصلح أحدهما إلا بالتفرد و لا يصلح الآخر إلا بالمشاركة و هما الملك و الرأي، فكما لا يستقيم الملك بالشركة لا يستقيم الرأي بالانفراد به» (الطرطوشی المالکی، ۱۲۸۹ : ۴۸) همچنین در متون دیگر منقول است: «قَالَ عَلِيّ بن أبي طَالب رَضِي الله عَنهُ الْإِعْجَاب ضد الصَّوَاب وَآفَة الْأَلْبَاب» (الشیزری الشافعی، بی‌تا: ۴۱۴) و (ماوردی، ۱۹۸۶: ۲۳۷) و در منابع شیعی (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۷۴) و (ابن طاووس، ۱۳۷۵: ۲۲۸) و (مجلسی، ۱۴۰۶: ۸۴) این سخن بیشتر بدان معنی است که اگر خروجی تصمیمات بر پایه مصلحت عام نباشد قطعا نمی‌توان انتظار مشارکت عمومی در انجام اهداف ترسیم شده را انتظار داشت، دفاع از حریم ملی زمانی معنا دارد که مردم بخواهند مقابله‌گرایی نمایند والا ورود جبهه نظامی خارجی زمینه قیام و شورش را فراهم خواهد ساخت، از همین رو توجه به خواست عمومی امری اجتناب‌ناپذیر بوده است.

پس از شروع یورش غافلگیرانه ۱۴۰۴/۰۳/۲۳ رهبری ابتدا نظرات مختلف را استعلام می‌نماید و در اولین موضع‌گیری اعلام می‌نماید به درخواست عموم گروه‌های مردمی پاسخ دردناک و پشیمان کننده‌ای به اسراییل داده خواهد شد و این امر را حتمی و یقینی ابراز می‌نماید، بر این اساس می‌توان گفت بیانیه‌ی رهبری در آغاز نبرد، نشان از پذیرش عامه مردم نسبت به تعیین راهبردی نظامی – مسلحانه در مقام دفاع بوده است.

پس از آن شورای عالی امنیت ملی بر حسب تکلیف قانونی خود با تعیین راهبرد اصلی توسط مقام معظم رهبری اقدام به تدارک نحوه مقابله می‌نماید.این اقدامات اگرچه بلافاصله پس از ضربه دریافتی انجام نشد ولی نمی‌توان منکر شد که تصمیمات اتخاذی بر پایه مشورت‌گرایی، باعث خلق حماسه‌ای بی نظیر شد که در تاریخ به یادگار خواهد ماند.

عملکرد مردم در زمان جنگ

تاثیرگذارترین قشر به منظور ورود مقابله نظامی بین یک کشور با کشور دیگر بلا شک مردم عام خواهند بود زیرا ۱-توانمندی نظامی همواره وابسته به تدارکاتی است که تأمین آنها بر عهده عام مردم قرار دارد و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

در نهایت این مردم هستند که از دستاوردها می‌بایست محافظت و حراست نمایند. ۲- دفاع و پشتیبانی نیازمند مشارکت جمعی مردم است.

شاید بتوان مهمترین نمود حضور مردم در این مقابله ی مقدس را شامل شناسایی عوامل خود فروخته داخلی و افشای محل حضور و فعالیت آنها و ارایه گزارش به مقامات صلاحیت‌دار، دست‌گیری و مقابله مستقیم با برهم‌زنندگان جامعه در زمان عدم حضور قوای مسلح دانست.

در گذشته علی (ع) خوارج را گروهی می‌دانست که با اساس حکومت مخالفند :«لما خرجت الخوارج على عليّ بن أبي طالب رضي الله عنه و كانوا من أصحابه و كان من أمر الحكمين ما كان و اختداع عمرو لأبي موسى الأشعري، قالوا: لا حكم إلا لله. فلما سمع عليّ رضي الله عنه نداءهم. قال: كلمة حق يراد بها باطل و إنما مذهبهم ألّا يكون أمير و لا بد من أمير برّا كان أو فاجرا»(الاندلسی، ۱۴۰۴: ۱۳۲) در این زمان، چنین افرادی به عنوان جاسوس، مزدور ، خائن شناخته می‌شوند ،شاید به جرات بتوان گفت بیشترین ضربه به امنیت داخلی توسط کسانی وارد شد که جزئی از جامعه بودند ولی نگرشی مخالف با جریان سیاسی حاکم داشتند، نقطعه فاجعه‌بار آنجا بود که این افراد هرچند برای سرنگونی حکومت مبادرت به جاسوسی، افشای اطلاعات نظامی ، ترور ، ایجاد رعب و وحشت با پرواز درآوردن پهبادها و ریز پرنده‌ها ، انجام عملیات-های تخریبی و ... می‌نمودند ولی همین امور را نیز بدون داشتن آرمان مشخص و بدون آنکه جایگزین شایسته برای رهبری جریان انتخابی خود داشته باشند صرفا به منظور تامین منافع شخصی اقدامات ضد اجتماعی را دنبال می‌کردند.

گفته شد یک جامعه به منظور بقا نیاز به حاکم دارد به نقل از امام علی آمده:«حَدَّثَنَا هُشَيْمٌ، عَنِ الْعَوَّامِ بْنِ حَوْشَبٍ، عَنْ أَبِي صَادِقٍ، عَنْ عَلِيٍّ، قَالَ: «إِنَّ مُعَاوِيَةَ سَيَظْهَرُ عَلَيْكُمْ» قَالُوا: فَلِمَ نُقَاتِلُ؟ قَالَ:«لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ»(الخزایی المروزی، ۱۴۱۲: ۲۸۱ (اعم از آنکه حاکم عادل یا ظالم باشد در نتیجه تبعیت کورکورانه از دستورات دشمن به منظور براندازی حکومت بدون آنکه خواستار آن باشند که حکومتی جدید جایگزین بشود قطعا مصداق بارز خیانت بوده که می‌بایست با آن مقابله نمود در غیر این صورت بقای جامعه با خطر جدی مواجه خواهد شد.

از نگاهی دیگر شاید بتوان گفت اقدامات عامه مردم در معرفی مخلان نظم اجتماعی ، جاسوسان ، تخریب‌گران، و در یک کلام مقابله با عوامل داخلی در جنگ دوازده روزه مصداق بارز اجابت رهبری و اطاعت از ایشان است، درواقع مردم در رابطه با حاکم ، تعامل دوجانبه را پذیرفتند که کمک به یکدیگر ضامن بقای اجتماعی تلقی می‌گردید.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

پایان جنگ ۱۲ روزه

پس از یازده روز از آغاز نبرد با اسراییل، ایالات متحده آمریکا که حافظ منافع آن کشور غاصب در عرصه بین‌المللی شناخته می‌شود با طراحی عملیات نظامی تحت عنوان «چکش نیمه شب»، اقدام به بمباران سایت‌های هسته‌ای ایران با بمب-های سنگرشکن می‌کند تا بطور کلی زمینه هر نوع غنی‌سازی و فعالیت هسته‌ای در کشور را از بین ببرد.

این اقدام از چند جهت دارای اهمیت بود ، نخست آنکه مشروعیت اقدامات اسراییل در تجاوز به ایران به بهانه عدم تایید فرایند ذخیره‌سازی صلح‌آمیز هسته‌ای بوده است درنتیجه با فرض نابودی کامل تأسیسات هسته‌ای و ذخایر اورانیوم غنی-سازی شده دیگر موردی برای مشروعیت اقدامات تجاوزکارانه باقی نمی‌ماند، از دیگر سو این هشدار در عمل اعلام می‌شود که ایالات متحده آمریکا به منظور دفاع از اسراییل مستقیما حاضر است وارد جنگ با ایران شود تا از این طریق مانع از امتداد ورود خسارات به تاسیسات نظامی، اقتصادی و گردشگری اسراییل گردد .

لازم به ذکر است در طی این مدت صدها نقطه‌ی مهم و استراتژیک در اسراییل آماج حملات نیروهای مسلح ایران قرار می‌گیرد که حاصل آن ویرانی باورنکردنی بوده است تا حدی که خبرنگاران از پوشش خبری مبنی بر نمایش میزان خسارات وارده در سرزمین‌های اسراییل ممنوع می‌گردند.

در چنین شرایطی شورای عالی امنیت ملی پس از مشورت و ارزیابی نحوه پاسخ‌گویی به ایالات متحده آمریکا که بتواند همزمان جنبه بازدارندگی را به آنها یادآور گردد و هم از مردم در برابر آسیب احتمالی جلوگیری نماید به این نتیجه رسید که پایگاه العدید که یک پایگاه هوایی نظامی آمریکایی در خاورمیانه و واقع در قطر می باشد را آماج حملات خود قرار دهد .

عملیات بشارت فتح با موفقیت انجام می‌شود، ترس ایالات متحده آمریکا از توسعه تقابل نظامی با جمهوری اسلامی ایران و همچنین ترس از افزایش حملات ایران به مواضع حساس در خاک رژیم صهیونیستی سبب شد که این کشور پیشنهاد توقف آتش را مطرح نماید.

در نهایت نظام جمهوری اسلامی ایران که موفق به وادار نمودن جبهه اسرائیلی-آمریکایی به تقاضای توقف آتش شده بود آن را می‌پذیرد و به پاسخ‌گویی نظامی خود در ساعت ۷:۳۰ دقیقه روز ۱۴۰۴/۰۴/۰۳ خاتمه می‌دهد.

با توقف تبادل آتش بین سه کشور، مجلس شورای اسلامی اقدام به تصویب قانون «الزام دولت به تعلیق همکاری با سازمان (آژانس) انرژی هسته ای (اتمی)» در مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۴ می‌نماید که این

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

قانون در همان روز به تایید شورای نگهبان رسیده و پس از آن توسط رییس جمهور ابلاغ می‌گردد. البته شایسته تر بود مجلس شورای اسلامی قبل از هرچیز نسبت به ابقا قوانین تثبیت کننده‌ی ارزش پول ملی همت می‌گمارد زیرا از این طریق طمینه ثبات جریان اقتصادی و شکوفایی جامعه مهیا می‌شد و مطابق این امر تأمین مالی برای نهادهای نظامی گسترش می‌یافت. بدیهی ست با تأمین مالی ارتش می‌تواند با روزآمد کردن تجهیزات خود بیشتر در راستای انجام وظایف ذاتی اقدام نماید.

قوه قضاییه به منظور افزایش ایجاد ضریب امنیت در کشور مبتنی بر فرمایش امام علی(ع) که می فرمایند:«أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُهَاجِرِ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الذُّهْلِيُّ عَنْ أَبِي السَّائِبِ قَالَ قَالَ عَلِيٌّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لا تُكْثِرِ الْعِتَابَ فَإِنَّ الْعِتَابَ يُورِثُ الضَّغِينَةَ وَ الْبَغْضَةَ وَ كَثْرَتُهُ مِنْ سُوءِ الأَدَبِ»(بسیار سرزنش مکن، زیرا کینه به بار می‌آورد و به دشمنی می-انجامد و زیادی آن، از بی‌ادبی است)(البستی، بی‌تا: ۱۸۲). همین روایت در کتاب صیدالافکار که آن هم از منابع سنی بوده، هم از قول امام علی نقل شده است(القاضی، ۲۰۰۹ : ۵۰۶). روایت مشابهی در کتاب دیگر اهل سنت یعنی «الفتح الکبیر» به نقل از پیامبر هم مؤید همین معناست:«عافَوْا تَسْقُطِ الضَّغائِنُ بَيْنَكُمْ»(العزیزی، بی‌تا: ۳۰) وعده می‌دهد چنان‌چه فریب-خوردگان دستگاه‌های امنیتی معاند بصورت خود معرف، تجهیزات نظامی و اطلاعاتی خود را تحویل دهند، از بخشایش و معافیت‌های قانونی بهره‌مند خواهند شد.

این درحالی است که حین جنگ دوازده روزه برخورد قاطع با اشد مجازات خط فکری حاکم بر دستگاه قضایی بوده است لکن شایسته است با توجه به تغییر شرایط باعث شد رویه قوه قضاییه نیز تغییر کند زیرا امیرمومنان توصیه می-نماید:«عفو الملوك أبقى للملك»(المتقی‌الهندی، ۱۴۰۱ : ۴۷).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

نتیجه گیری

نویسندگان بر این باورند به منظورتأمین امنیت برای جامعه مخصوصا در زمان بحران‌های ناشی از تجاوزات نظامی نظیر جنگ دوازده روزه تحمیلی که در آن رژیم سفاک صهیونیستی و دولت امریکا با هدف نابودی ساختارهای حکومتی در ایران از تمام امکانات مالی نظامی و اطلاعاتی خود استفاده نموده‌اند؛ لازم است اولا؛ الزامات تأمین امنیت در کشور به درستی تبیین و پشتیبانی گردد تا در صورت ضرورت امکان استفاده حداکثری از تمام ظرفیت‌های نظامی برای مقابله‌ی با خصم وجود داشته باشد. ثانیا؛ در زمانی که به هر دلیلی ساختار نظامی نتواند به تنهایی امنیت عمومی را تأمین کند این وظیفه رهبری است که به عنوان حاکم شرعی و قانونی هدایت جامعه را بر عهده بگیرد تا عموم مردم را از بحران تحمیلی خارج نماید.زیرا حُسن اعتماد و ارتباط دو سویه بین مردم و حکومت اسلامی که ناشی از نیاز مردم به تأمین امنیت و نیاز حکومت به دریافت مشروعیت از طرف مردم می‌باشد، به خودی خود زمینه‌ای را ایجاد می‌نماید که بتوان در کنار یکدیگر به‌منظور بقای امنیت تلاش نمود. از همین رو شایسته است ضمن تقویت بنیادهای نظامی جایگاه رهبری و اثرگذاری آن به عنوان یک فرمانده نظامی آگاه جسور و خردمند بیشتر به مردم معرفی گردد تا روابط دوسویه بین مردم و نظام حاکم مستحکم‌تر گردد. ثالثا؛ نیاز به تأمین ساختارهایی به منظورتعیین فوری جانشین در سلسله مراتب فرماندهی امری لازم و ضروری تلقی می‌شود تا از شدت آسیب‌های وارده به بدنه‌ی اجتماع و مخصوصا به زیرساخت‌های نظامی و انتظامی جلوگیری به عمل آید. البته ناگفته پیداست چنین مواردی تنها زمانی ممکن و مقدور خواهد بود که دستگاه مقننه به عنوان مرجع تصویب قوانین رویکرد فعلی خود را تغییر دهد زیرا بنیادهای نظامی وابسته به تأمین مالی و تأمین مالی وابسته به عملکرد عمومی مردم در فعالیت‌های اقتصادی است. در نتیجه ابقاء مقررات مربوط به قوانین تثبیت کننده ارزش پول ملی به عنوان پیش فرض تأمین امنیت و شرط بقاء و ثبات حکومت اسلامی لازم و ضروری خواهد بود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

فهرست منابع:

قران کریم

۱) ابن‌شعبه حرانی، حسن بن‌علی. (۱۴۰۴). تحف‌العقول. قم: جامعه مدرسین.

۲) ابن‌طاووس، علی بن‌موسی. (۱۳۷۵). کشف‌المحجه لثمره‌المهجه. قم: بوستان کتاب.

۳) احمدی‌میانجی، علی. (۱۴۱۹). مکاتیب‌الرسول صلوات‌الله علیه واله. قم: دارالحدیث.

۴) آل‌سعدی، عبدالرحمن بن‌ناصر. (۱۴۲۲). بهجه‌القلوب‌الأبرار وقره‌عیون‌الأخیار في شرح جوامع‌الأخبار. بی‌جا: مکتبه الرشد للنشر والتوزیع.

۵) اندلسی، شهاب‌الدین احمد بن‌محمد. (۱۴۰۴). العقدالفرید. بیروت: دارالکتب‌العلمیه.

۶) بروجردی، ابراهیم. (۱۳۹۴). تفسیر جامع. قم: انتشارات عصر ظهور.

۷) بستی، محمد بن‌حبان. (بی‌تا). روضه‌العقلاء ونزهه‌الفضلاء. بیروت: دارالکتب‌العلمیه.

۸) بستی‌الکوفی، عبد الله بن‌محمد. (۱۴۳۶). المصنف. الریاض: دار کنوز اشبیلیا للنشر والتوزیع.

۹) بغدادی، عبدالرحمن بن‌شهاب‌الدین. (۱۴۱۷). جامع‌العلوم والحکم فی شرح خمسین حدیثا من جوامع‌الکلم. بیروت: مؤسسه الرساله.

۱۰) بغدادی، محمد بن‌الحسن. (۱۴۱۷). التذکره‌الحمدونیه. بیروت: دارصادر.

۱۱) تمیمی‌الامدی، عبدالواحد بن‌محمد. (۱۴۱۰). غررالحکم ودررالکلم. قم: دارالکتاب الاسلامی.

۱۲) ثعالبی، عبدالملک بن‌محمد. (۱۴۲۱). الشکوی والعتاب وماوقع للخلان والاصحاب. کویت: المجلس‌الوطنی للثقافه و الفنون والآداب.

۱۳) ثقفی، ابن‌هلال. (۱۳۷۴). الغارات. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.

۱۴) جعفری، بهزاد.(۱۴۰۴). ارائه مدل ارتقاء توان رزمی ارتش جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر تأمین مالی مطلوب. نشریه پژوهشهای راهبردی ارتش، بهار، سال چهارم، شماره ۱۱ پیاپی، ۲۶-۵۳.

۱۵) خزایی‌المروزی، نعیم بن‌حماد. (۱۴۱۲). الفتن. قاهره: مکتب‌التوحید.

۱۶) خسروبیگی، هوشنگ، ۱۳۸۱ مقدمه ای بر تشکیلات اداری و نظامی ایران در اوایل دوره قاجار (۱۴۶-۱۳۸۰ه.ق) نشریه‌ی نامه انجمن تابستانشماره ۶ ص۸۳-۱۱۱

۱۷) ذهبی، محمد بن‌احمد. (۱۴۱۳). تاریخ‌الاسلام. بیروت: دارالکتاب‌العربی.

۱۸) راغب اصفهانی، حسین بن‌محمد. (۱۴۱۲). مفردات الفاظ قرآن. دمشق: دارالقلم-الدارالشامیه.

۱۹) روزی‌طلب، محمدحسین و خیراله، پروین.(۱۴۰۰). تأملی حقوقی در ساختار و صلاحیت مصوبه‌گذاری دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی. دانش حقوقی، دوره ۱۰، شماره ۳۲، ۱۰۵-۱۲۸.

۲۰) سمرقندی، نصر بن‌محمد. (۱۴۲۱). تنبیه‌الغافلین باحادیث سیدالانبیاء والمرسلین. دمشق: دار ابن‌کثیر.

۲۱) شایب، احمد. (۲۰۰۳). الاسلوب. مصر: مکتبه النهضه‌المصریه.

۲۲) شریف‌الرضی، ابوالحسن. (بی‌تا). نهج‌البلاغه. قم: دارالعرفان.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

۲۳) شفیعی، احمد و ابراهیمی، هاتف.(۱۳۹۹). بررسی مقایسه ای سبک آموزش نظامی در غرب و اسلام نشریه پژوهشهای علوم نظامی، بهار و تابستان،شماره ۱،۱-۵۰.
۲۴) شیزری‌الشافعی، عبدالرحمن بن‌نصر. (بی‌تا). المنهج‌المسلوک فی سیاسه‌الملوک. زرقا: مکتبه‌المنار.
۲۵) طبری، احمد بن‌ابی‌احمد. (۱۴۰۹). السیاسه‌الشرعیه والقضاء. الطائف: مکتبه‌الصدیق.
۲۶) طبری، محمد بن‌جریر. (۱۳۸۷). التاریخ. مصر: دارالمعارف.
۲۷) طرطوشی‌المالکی، محمد بن‌محمد. (۱۲۸۹). سراج‌الملوک. مصر: من أوائل المطبوعات‌العربیه.
۲۸) طوطیان، صدیقه، اصغری، حرمت ،رستمی، مهدی.(۱۳۹۹). ارئه مدل موانع جانشین پروری با رویکرد آمیخته در ستاد فرماندهی ناجا، نشریه پژوهش‌های دانش انتظامی، تابستان شماره، ۸۷ ،۱۷۳-۲۰۰.
۲۹) عبدالله زاده، یعقوب، حسینیان، شهامت، رضازاده، اکبر.(۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر تمایل کارکنان به احراز مشاغل فرماندهی کوت (مطالعه موردی ف.ا. اردبیل)، نشریه توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، زمستان شماره ۴۶، ۷۱-۹۲.
۳۰) عزیزی، علی بن‌احمد. (بی‌تا). السراج‌المنیرشرح‌الجامع‌الصغیر. بی‌جا.
۳۱) عطایی .محمدعاصف.(۱۳۸۲). نقش احکام جزایی در ایجاد امنیت، نشریه پاسدار اسلام.، مرداد شماره ۲۶۰، ۱۸-۲۱.
۳۲) القاضی، حسین بن محمد.(۲۰۰۹).صید الافکار فی الادب و الاخلاق و الحکم و الامثال.بی‌جا: وزاره الثقافه.
۳۳) قاضی، حسین بن‌محمد. (۲۰۰۹). صیدالافکار فی‌الادب والاخلاق والحکم والامثال. بی‌جا: وزاره الثقافه.
۳۴) کاندهلوی، یوسف بن‌محمد. (۱۴۲۰). حیاه‌الصحابه. بیروت: مؤسسه الرساله للطباعه و النشر والتوزیع.
۳۵) الکاندهلوی،یوسف بن محمد، تحقیق معروف، بشار عواد.(۱۴۲۰).حیاه الصحابه.بیروت: مؤسسه الرساله للطباعه و النشر و التوزیع.
۳۶) کاویانی،محمدهادی(۱۳۹۶). قانون و امنیت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریه دین و قانون تابستان، شماره ۱۶، ۶۹-۹۸.
۳۷) ماوردی، علی بن‌محمد. (۱۹۸۶). ادب‌الدنیا والدین. بیروت: دارمکتبه الحیاه.
۳۸) المتقی الهندی، علی بن حسام. تحقیق حیانی و السقا، صفوه.(۱۴۰۱). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بی‌جا: مؤسسه الرساله.
۳۹) متقی‌الهندی، علی بن‌حسام. (۱۴۰۱). کنزالعمال فی سنن‌الاقوال والافعال. بی‌جا: مؤسسه‌الرساله.
۴۰) مجلسی، محمدباقر بن‌محمدتقی. (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: دار احیاءالتراث‌العربی.
۴۱) محمدی، مصطفی.(۱۳۹۲).نقش رسانه ملی در مقابله با جنگ نرم و ایجاد امنیت نرم، .نشریه مطالعات عملیات روانی، پاییز شماره ۳۷، ۲۹-۴۸.
۴۲) مقدسی‌الرملی‌الشافعی، عبدالغنی بن‌عبدالواحد. (۱۴۳۷). الکمال فی اسماءالرجال. کویت: شرکه غراس للدعایه والإعلان والنشر والتوزیع.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]

۴۳) نویری، احمد بن‌عبدالوهاب. (۱۴۲۳). نهایه‌الارب فی فنون‌الادب. قاهره: دارالکتب والوثائق القومیه.
۴۴) الویوت. عبدالله.(۲۰۱۴). اقوال عمربن عبدالعزیز فی تفسیر آیات الاحکام(جمعا و دراسه)، نشریه دراسات (علوم الشریعه و القانون)، مجلد ۴۱، ۱۰۳۹-۱۰۵۳.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۵۰۴۰۲

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

جدادی، مریم؛ قاسم نژاد، زهرا (۱۴۰۴)، «الزامات تأمین امنیت در جنگ دوازده روزه با رژیم صهیونیستی و امریکا» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۵، ش۴، زمستان ۱۴۰۴، صص ۵۰-۲۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-25]